

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۱۰۸ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۶۲۷۴

بررسی و شناخت سیاست جنایی تقنینی

با نگاهی به راه های جرم انگاری و جرم زدایی در نظام کیفری

مسعود براتیپه

محقق و پژوهشگر

چکیده

سیاست جنایی تقنینی به مجموعه تدابیر و اقداماتی گفته می شود که در قالب قوانین و مقررات، توسط قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی) برای پیشگیری از وقوع جرم، مبارزه با آن و اصلاح مجرمان اتخاذ می شود. به عبارت دیگر، این نوع سیاست جنایی، بر پایه قوانین و مقررات موجود و یا تدوین قوانین جدید، سعی در کنترل و کاهش جرم و بزهکاری دارد. در همین راستا جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می کند. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله قصد داریم به سیاست جنایی تقنینی با نگاهی به راه های جرم انگاری و جرم زدایی در نظام کیفری پردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری و بهره از کتب و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش است.

واژگان کلیدی: جرم، جرم انگاری، سیاست جنایی، اصلاح مجرمان، کاهش جرم



مقدمه

شکل‌گیری فرایند قانون‌گذاری، سابقه‌چندان زیادی نداشته و به اواخر قرن هجدهم میلادی برمی‌گردد؛ اما در طول همین دوره، به کرات مشاهده شده است که قانونگذاران در نظام‌های حقوقی مختلف، اقدام به تغییر، اصلاح یا نسخ در قوانینی نموده‌اند که خود واضح آن بوده‌اند با نظر به ادوار تاریخی، مشاهده می‌شود که در طول حیات بشری همواره قواعد و نظامات رفتاری بر جوامع انسانی سایه افکنده و انسان‌ها ناگزیر از پذیرش حکومت قانون بر روابط خویش بوده‌اند. تسلیم در برابر ضوابط و معیارهای حاکم بر نظام زندگی انسان، امری است که رسولان الهی نیز پیوسته انسان را بدان فراخوانده‌اند؛ چرا که اجرای این ضوابط و مقررات در سطح جامعه، می‌تواند ضامن سعادت بشر بوده و تداوم زندگی جمعی وی را در پی خواهد داشت. عمر قانون به معنای قواعد رفتاری اجباری بر خلاف پدیده قانون‌گذاری، بدون شک به قدمت جامعه است؛ از این رو زندگی مسالمت‌آمیز افراد در بطن یک جامعه را تنها در صورت رعایت قواعد مشترک ممکن دانسته‌اند. بدین‌سان احساس نیاز بشر به ساماندهی این قواعد، وی را به سوی تدوین قوانین مختلف سوق داد تا از رهگذر این قوانین بتواند از هرج و مرج و درگیری در سطح جامعه پیشگیری نموده و مسیر رشد و تعالی جامعه را هموار نماید، به همین دلیل است که قانون‌گذاری یا ایجاد عामدانه قانون، یکی از مهم‌ترین ابداعات انسانی توصیف شده که برای زندگی انسان، نتایجی بسیار بزرگتر از اختراع آتش یا باروت به دنبال داشته است. با پیشرفت جوامع و تکامل عقل بشری، به تدریج قانون‌گذاری به ساختار و صورت سازمان‌یافته‌تری دست یافت. در مفهوم جدید، قانون‌گذاری در دو معنای عام و خاص مطرح می‌شود، قانون در مفهوم عام شامل تمامی مقرراتی است که از سوی یکی از سازمان‌های صالح دولتی وضع می‌شود و اعم از مصوبات مجلس، تصویب‌نامه‌ها و است که لازم است در فرایند تقنین به کار گرفته شود تا قانون به سهولت و سرعت و در بالاترین حد ممکن به اهداف خود نائل شود.

بخش اول: بررسی و تحلیل سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی به شاخه‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود که در این بخش قصد داریم به تحلیل این موضوع بپردازیم.



بند اول: تعریف و مفهوم سیاست جنایی

سیاست جنایی به عنوان مطالعه اقدام ها و تدابیر متنوعی که دولت و جامعه مدنی اختصاصا برای سرکوبی پدیده مجرمانه، پیشگیری از آن، حمایت از بزه دیده گان مستقیم و غیر مستقیم بزهکاری در نظر گرفته و در قالب آیین ها و روش های مختلف به عنوان پاسخ به موقعیت های پیش جنایی، جرایم ارتكابی و نیز ترسیم آثار زیانبار جرم اتخاذ می گردد، در واقع نوعی مدیریت و سیاست گذاری کلان جنایی در دو مرحله تدبیر و اجرا می باشد که با بهره گیری از کلیه اجزاء بدنه اجتماع مرکب از ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به عنوان زیربناهای اصلی و بافت حقوقی و اداری در مقام ساختارهای فرعی، پاسخ های صادره به پدیده مجرمانه را سامان بخشیده، مدیریت جنایی کشور را در قبال پدیده کژروی مشخص می نماید.^۱ به تعبیر می ری-دلماس مارتی^۲ سیاست جنایی در مفهوم موسع مجموعه روشهایی است که جامعه با توسل به آنها به پدیده مجرمانه سازمان می بخشد. نقش سازمانهای غیردولتی و ngo ها و به طور کلی جامعه مدنی در مفهوم موسع و نوین تبیین کننده سیاست جنایی امروزه اند. اما اندیشه ایجاد جامعه مدنی باعث در هم ریختگی مرزهای سنتی حقوق جزا و شکل گیری گونه هایی جدید از واکنش در برابر جرم و مجرم گردید. تبلور این تغییر را می توان در تعریف خانم میری دلماس مارتی به وضوح دید. وی معتقد است سیاست جنایی «مجموعه روش هایی است که هیات اجتماع با توسل به آن ها پاسخ های به پدیده مجرمانه را سازمان می بخشد». بنابراین حضور جامعه مدنی در کنار نهادهای دولتی به عنوان مراجع پاسخ ده به جرم و کژروی یکی از رویکردهای مهم دلماس مارتی است.^۳ در واقع می توان گفت طرح مدل های سیاست جنایی و تعامل آن با نهادهای جامعه مدنی که از خصوصیات جوامع لیبرال می باشد برای اولین بار توسط دلماس میری مارتی^۴ به طور جدی و در سطح وسیع و امروزی مطرح شد که در آن جامعه مدنی به کنترل اقدامات این نهادها می پردازد که نتیجه این رابطه، همزیستی و تعامل میان جامعه مدنی و بخش دولتی است. سیاست های جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی، علمی و به خصوص سیاست های جنایی مشارکتی که مبنای آن اجازه طرح

^۱ بیکس، برایان، فرهنگ نظریه حقوقی، تهران، انتشارات نی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵

^۲ Mireille delmas marty

^۳ بوشهری، جعفر، حقوق جزا، اصول و مسائل، ج ۱، ۲، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، ص ۱۴

^۴ Delmas mirelli marty



معضلات اجتماعی موجود در بخش خصوصی، در حوزه‌های عمومی از جمله حقوق کار به وسیله انجمن‌ها و نهادهای کم و بیش خود انگیخته می‌باشد منجر به تولد گفتمان جدیدی در ادبیات حقوقی کشورهای جهان شده است. تقویت نهادها و زیرساخت‌های موجود در جامعه مدنی از سلطه و اقتدار دولت می‌کاهد، چرا که با ایجاد سازو کارهای جامعه مذکور مهمترین ابزار سرکوب و تحدید آزادیهای شهروندان یعنی حقوق جزا تحت کنترل و نظارت نظامی دموکراتیک و مردم سالار درمی‌آید که حق تعیین سرنوشت خود را در اختیار دارد و بدور از مداخله گسترده بخش دولتی خواهان مشارکت و اثر بخشی در فرآیند تصمیم‌گیری‌هاست.

بند دوم: تعریف سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی همان‌طور که صراحت خود اصطلاح گویاست، به راهبرد یا تفکری جنایی اطلاق می‌گردد که از سوی مقنن اتخاذ شده و در چارچوب یک سری مقررات و انتظامات قانونی مشخص و منصوص تشریح می‌گردد. این قسم از سیاست جنایی عملاً، نوع نگرش، قضاوت و برداشت قانونگذار را نمایش می‌دهد که اصولاً در قالب جعل و وضع نصوص قانونی عینیت می‌یابد. در این قسم از سیاست جنایی اندیشه و منطق مقنن در قبال پدیده جنایی و نهادهای پیرامونی آن رخ می‌دهد که در آشکارترین بعد آن با نهاد جرم‌انگاری سرو کار پیدا خواهیم کرد. اساس مطالعات در قلمرو سیاست جنایی تقنینی، بررسی و نقد مهمترین مرحله از سیکل و چرخه جنایی یعنی مرحله ارزش‌گذاری تقنینی، مشتمل بر وضع و تدوین مقررات قانونی در خصوص تعیین جرایم در قوانین عام و خاص کیفری و تخلفات و پاسخ‌های موجود و حدود اختیارات نهادهای کیفری و اجرایی است. سیاست جنایی تقنینی در واقع بیانگر دیدگاه‌ها و روش‌های متخذه قانونگذار در کنترل جرایم و تخلفات است. پایه‌های اساسی و اصول راهبردی سیاست جنایی تقنینی را باید نخست در قانون اساسی هر کشور جستجو کرد.^۱

^۱ گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، جلد اول، نشر دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۷، ص ۹۵



بود که ارزش‌های رفتار ارتکاب یافته به عنوان جرم بر منافع قانون جدید جزایی غلبه کند.^۱ جدای از تفاوتها یا شباهت‌هایی که در تعاریف ارائه شده از جرم انگاری حداکثری توسط جرم‌شناسان وجود دارد باید دانست که جرم انگاری حداکثری یک مفهوم چند وجهی و پیچیده است که توصیف‌های مختلفی از آن وجود دارد. در نبود یک تعریف شفاف، بدیهی و استاندارد از این پدیده خواننده نمی‌تواند فهم دقیقی از کاربرد جرم انگاری حداکثری در کشورهایی که این واژه را در نظام عدالت کیفری شان به کار می‌برند داشته باشد پس باید این چالش را تا حدی رفع ساخت. بنابراین در یک تعریف پیشنهادی جرم انگاری حداکثری را می‌توان سوء استفاده قهری دولت از قدرت‌ش از طریق تصویب قوانین جزایی موضوعه دانست.

بخش سوم: بررسی و تبیین جرم‌زدایی در نظام جزایی ایران

در عصر حاضر مسئله جرم‌زدایی از آغاز سال‌های ۱۹۶۰ به صورت بحث روز درآمده است؛ اما نشانه‌هایی از آن را می‌توان در آراء اندیشمندانی مانند بکاریا، فری و گراماتیکا مشاهده کرد. از نظر بکاریا تعداد جرائم باید کم باشد. وی با تهیه سیاهه‌ای از جرائم، آن دسته را که مبنای سودرسانی و اخلاق‌مداری ندارد، حذف می‌کند؛ برای نمونه او جرم‌زدایی از جنایات علیه حاکمیت الهی، زنا، نوزادکشی و خودکشی را به صراحت مطرح کرده است. فری مفاهیم «مسئولیت اجتماعی» و «جانشین‌های کیفری» را به ترتیب به جای مفاهیم «جرم» و «مجازات» پیشنهاد می‌کند؛ در حالی که گراماتیکا مفاهیم «ضداجتماعی‌بودن» و «اقدام‌های غیرکیفری» را به جای «مجرم» و «مجازات» به کار می‌برد. تلاش طرفداران جنبش دفاع اجتماعی نوین در جهت جرم‌زدایی و کیفرزدایی و دستیابی به یک سیاست جنایی علمی و سنجیده نیز انکارناپذیر است. جرم‌زدایی ابتدا با هدف تورم‌زدایی کیفری، یعنی تعدیل عناوین مجرمانه یا تعداد جرائم در قانون جزا مطرح شده است.^۲ این واژه در مصوبات اصلاحات جزایی در بیشتر قوانین کیفری در دنیای غرب با درجات متفاوتی از موفقیت، برای مقابله با چالش‌های به وجود آمده در کنترل بی‌رویه جرائم و

^۱ بیکس، برایان، فرهنگ نظریه حقوقی، تهران، انتشارات نی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۴

^۲ نجفی ایرن‌آبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۸۳

مجازات‌ها، به کار برده شده است. توسعه وسیع کنترل‌گرایی در نظام عدالت جنایی، واژه «جرم‌زدایی» را به‌عنوان اصطلاحی جالب برای پاک‌سازی تعداد بیش‌ازاندازه پرونده‌های جاری و جرائم سطحی و پیش‌پاافتاده و روشی جایگزین برای کنترل جرم اشخاص نزد دولت‌ها مطرح ساخته است. فرهنگ جرم‌شناسی سیج جرم‌زدایی را این‌گونه شرح داده است: «فرایندی که به موجب آن مشکلات اجتماعی یا رفتارهای منحرفانه‌ای که به‌عنوان جرم شناخته شده‌اند، جرم‌زدایی شده و جرم‌نبودن آن‌ها اعلام می‌شود.» یکی از حقوق‌دان‌های ایرانی در تعریف جرم‌زدایی نوشته است: «جرم‌زدایی عبارت است از عقب‌نشینی حقوق کیفری از رهگذر زایل کردن کامل وصف مجرمانه از جرم یا بیرون‌بردن رفتار از قلمرو قانون جزا و باقی‌گذاشتن آن در گستره اقتدار عمومی که مستلزم اعمال کنترل‌های غیرکیفری است.» بنابراین در توضیح باید گفت جرم‌زدایی یا کاهش عناوین مجرمانه، اصطلاحی پیچیده و چندوجهی و در قوانین جزایی فرایندی است برعکس جرم‌انگاری؛ به این معنی که در جرم‌انگاری قانونگذار رفتاری را که در گذشته جرم نبوده جرم می‌داند، اما در جرم‌زدایی از عمل سابق خود عدول کرده و به موجب قانون لاحق، از حیطه جرم‌خارج‌شدن رفتار یا عمل مذکور، یعنی رفتار یا عملی که تا به حال جرم بوده را، اعلام می‌دارد. بدین‌وسیله با ایراد انتقاد به شیوه درپیش گرفته‌شده از سوی قانونگذار، با ارائه معضلات رفتارهای جرم‌انگاری‌شده، اقدام به برون‌رفتن آن از قانون جزا می‌کنند. پس در این فرایند بر رد مجازات‌های بازسازی‌شده، در عمل ضمن تأکید بر مفاهیمی مانند جرم و گناه و مجازات، با ازکارانداختن آثار این اعمال و رویه‌ها و با تمرکز بر مشکلات اجتماعی و اوضاع و احوال موجود تمرکز می‌شود. تغییر دیدگاه‌های اخلاقی و اجتماعی، حاصل پیدایش این تحول است. اسناد بین‌المللی نیز امروزه به مسئله جرم‌زدایی توجه داشته‌اند. در میان اسناد بین‌المللی در گزارش ۱۹۸۰ کمیته اروپایی مسائل جنایی استراسبورگ در تعریف جرم‌زدایی آمده است: «فرایندی است که به‌وسیله آن صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجراها نسبت به بعضی از رفتارهای خاص مجرمانه به‌وسیله قانونگذاری یا قوه قضائیه سلب می‌شود.» پروسه جرم‌زدایی ممکن است به دو شکل «رسمی» و «عملی» تجلی پیدا کند. جرم‌زدایی رسمی به این معناست که تعقیب و پیگیری برای برخی از اعمال و به اصطلاح وجود حالت مجرمانه باید به‌صورت رسمی یعنی از سوی مراجع دولتی، غیرقانونی اعلام شود. به این شکل که در جرم‌زدایی رسمی دستگاه عدالت کیفری یعنی قانونگذار، با وضع قانون جدید، از اعمال و رفتارهای خاص مجرمانه که پیش‌ازاین در قانون جرم تلقی می‌شده، سلب عنوان مجرمانه می‌کند یا قضات دادگاه‌ها با



صدور آراء جدید، قانون یا رأی پیشین را، که عملی را جرم تلقی می‌کرده، بی‌اعتبار و به عبارتی آن را از محدوده حقوق کیفری خارج می‌سازند؛ اما گاهی رسماً و قانوناً در صلاحیت نظام عدالت کیفری تغییری حاصل نمی‌شود، بلکه جرم‌زدایی با یک رویه ساده عملی تحقق پیدا می‌کند که خود می‌تواند مولود تغییر نگرش و تحول دیدگاه‌های حکام یا مردم یا با توافق هر دو و اثرگذاری نظر هر یک بر دیگری باشد. جرم‌زدایی عملی، می‌تواند سرمنشأ حرکت به سوی جرم‌زدایی رسمی و قانونی باشد؛ بدین معنی که تغییر نگرش قضات و صدور آراء واحد، که همگی نشان از ضرورت خروج رفتار از حیطه قوانین کیفری است، می‌تواند مدنظر و توجه قانونگذار قرار گرفته و در شیوه نگرش وی در سلب عناوین مجرمانه، مؤثر واقع شود.^۱ کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی وابسته به شورای اروپا، جرم‌زدایی را به سه نوع تقسیم کرده است. در جرم‌زدایی نوع A، هدف از جرم‌زدایی به رسمیت شناختن کامل و قانونی رفتاری است که از آن سلب عنوان مجرمانه شده است. این حق، در مواردی چون روابط آزاد هم‌جنس‌گرایانه، قبلاً مغایر با قانون بوده، اما امروزه به عنوان یک شیوه آزادانه در زندگی، شکل مشروع و قانونی پیدا کرده است. نوع B، یعنی تغییر آراء و افکار عمومی درخصوص نقش مراجع دولتی در قلمرو مربوط، شکل دیگر جرم‌زدایی است. گاهی نوع C، یعنی سیاست عدم مداخله انتخاب و واکنش و نحوه رویارویی با وضعیت نامطلوب به طور مستقیم به افراد ذی‌نفع سپرده می‌شود.^۲ در تقسیم‌بندی دیگر، جرم‌زدایی به انواع کامل و ناقص تقسیم شده که مبنای تقسیم‌بندی به ترتیب الغای جرم و مجازات بوده است. از این رو در ادبیات جرم‌شناسی، واژه جرم‌زدایی برای بیان دو مفهوم یعنی «زدودن عنوان مجرمانه» و «سلب مجازات از رفتار معین» به کار رفته است؛ زیرا از دیدگاه حقوق کیفری کلاسیک، جرم و مجازات لازم و ملزوم یکدیگرند که با نبودن یکی، دیگری نیز وجود خود را از دست می‌دهد. مارک آنسل از جمله کسانی است که جرم‌زدایی را به معنای سلب مجازات می‌داند.^۳ به این ترتیب، جرم‌زدایی در دو معنای «جرم‌زدایی کامل» یعنی سلب

^۱ دلماس، میری مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۸۳

^۲ مهران، «درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی»، نشریه تحقیقات حقوقی، ش ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۷، ص ۳۰۱

^۳ آنسل، م، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵



عنوان مجرمانه از رفتار یا رفتارهای معین و «جرم‌زدایی ناقص» یعنی سلب کیفر یا کیفرزدایی^۱ از جرم یا جرائم به کار می‌رود. در این معنا با حفظ وصف مجرمانه، تغییر وصف یک جرم از جنایت به جنحه ممکن می‌شود. البته باید اشاره داشت که بعضاً جرم‌زدایی را تحت عنوان «اتهام‌زدایی» نیز به کار برده‌اند.^۲ پس در مجموع می‌توان گفت جرم‌زدایی می‌تواند شامل برداشتن کلیه ضمانت اجراهای کیفری، تقلیل تعداد یا شدت آن، جایگزینی ضمانت اجراهای مدنی یا اداری به جای ضمانت اجرای کیفری باشد.^۳

بخش چهارم: راه‌های جرم‌زدایی در حقوق جزایی کنونی

جرم‌زدایی در ایران به شیوه کامل و ناقص تقسیم می‌شود. در این بخش قصد داریم به این موضوع مهم بپردازیم.

بند اول: جرم‌زدایی کامل

ورود عناوین مجرمانه به حیطه حقوق کیفری یا خروج آن از این حوزه، در صلاحیت قانونگذار است. در نظام حقوقی ایران پس از تصویب قانون اساسی ۱۳۵۸ و اصلاح آن در سال ۱۳۶۸، وضع یا تغییر و حذف مواد قانون عادی فقط در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مطابق اصل ۷۱ ق.ا: «مجلس شورای اسلامی در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.»

همچنین در اصل ۸۵ ق.ا آمده است: «مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، اما در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی قوانین را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند؛ در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آن‌ها با مجلس خواهد بود.» این مسئله ناشی از پذیرش اندیشه متریکی «تفکیک

^۱. Depenalization

^۲ جاهد، «ضرورت جرم‌زدایی در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۳، ص ۹۳

^۳ رحمدل، منصور، سیاست جنایی ایران در قبال جرائم مواد مخدر، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۴۹



قوا^۱ در حقوق عمومی است که قوانین اساسی کشورها در مواد مختلف بر آن صحنه گذاشته‌اند. اندیشمندان کلاسیک از جمله منتسکیو و جان لاک، اصل تفکیک قوا را ضامن سلامت جامعه و جلوگیری از تجمع قدرت در دست حاکم می‌دانند. منتسکیو با طرح نظریه تفکیک قوا در کتاب روح القوانين با الهام از تجربه حکومت انگلستان در سده هفدهم میلادی، یک تقسیم‌بندی ارائه داد که امروزه تمام حکومت‌های دموکراتیک آن را پذیرفته‌اند. به عقیده وی نابودی نظام‌های سیاسی در دوران باستان به دلیل آمیختگی و استبداد قوا بوده و بر این مبنا برای جلوگیری از تجمع قدرت در دست یک نفر، حکومت باید به سه شعبه مجزا و مستقل، به این شرح تقسیم شود: «عده‌ای فقط قانون وضع کنند و قانون را تغییر بدهند، اما قدرت دیگری نداشته باشند. عده دیگری فقط قانون را اجرا کنند، اما حق نداشته باشند خود، قانون وضع کنند. عده دیگری در اختلاف‌های مردم و درباره تجاوز آنان از قوانین قضاوت کنند.»^۲ جان لاک^۳ نیز که یکی از پایه‌گذاران اندیشه تفکیک قواست، دولت را به «قوه متحده یا فدراتیو»، که مأمور انعقاد قراردادهای دولت با دیگر کشورها و اعلام جنگ و صلح است، «قوه قانونگذاری» و «قوه اجرایی» تقسیم می‌کند. وی به وجود قوه قضائیه معتقد نبود و آن را جزء قوه قانونگذاری می‌دانست. در آثار وی مطلق‌گرایی و استبداد دولت به شدت منع شده و بر اساس این، به این نکته اشاره می‌کند: «هرچند قوه مقننه قوه برتر یک دولت است، ولی هرگز نباید درخصوص زندگی و اموال افراد، مستبدانه عمل نماید.» چنان‌که گفتیم تفکیک قوا از جمله اصول مهم حقوق عمومی محسوب می‌شود و تقریباً همه مباحث راجع به تفکیک قوا در کتب حقوق اساسی و اداری و حول محور این دو شاخه از علم حقوق بوده است و هنوز پاسخ قاطعی به این امر داده نشده که آیا در حقوق جزا نیز به اندازه حقوق اساسی و اداری نیازمند حمایت از اندیشه تفکیک قوا هستیم یا خیر؟

آنچه مسلم است بی‌توجهی به اندیشه تفکیک قوا، حقوق جزا را در سراسیمگی سقوط و زوال قرار می‌دهد؛ از این رو گفته شده: «فارغ از ارزش‌های روش‌شناسی و متدولوژیک، بدون وجود تفکیک قوا و سایر نهادهای کنترل‌کننده، هنگامی که موضوع تنظیم قواعد حقوق جزا پیش آید، حکومت می‌تواند چهره‌ای

۱. Separation of powers

^۲ رحیمی، مصطفی، «قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی»، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۷، ص ۱۴۴

^۳ نظریه پرداز انگلیسی و چهره سرشناس در حوزه فلسفه سیاسی و معرفت‌شناسی (۱۶۳۲ تا ۱۷۰۴)



خشن و افراطی و مداخله گرانه از خود نشان دهد.» در یک ساخت سیاسی نامناسب و بی بهره از دادگستری مستقل و اصل تفکیک قوا می توان از حقوق کیفری برای محدود کردن حق ها و آزادی های مرتبط با حوزه عمومی و خصوصی مردم سوء استفاده نمود.^۱ همچنین در اثر مداخله وظایف نهادهای گوناگون حکومت در امور یکدیگر نظم قانون گذاری، یعنی جرم انگاری و جرم زدایی در حقوق کیفری بر هم خورده و همانند آنچه در ایران امروز شاهد هستیم با تعدد نهادهای مختلف قانون گذاری روبه رو خواهیم شد؛ درحالی که «وجود تفکیک قوا در مسئله جرم انگاری و جرم زدایی باعث تفویض اختیارات قانون گذاری به یک نهاد واحد یعنی مجلس می شود که به کارگیری بنیان ها، محدودیت ها و مجازات های حقوق جزا را بر عهده خواهد گرفت و از دخالت دیگر قوا و سازمان ها در تقنین جلوگیری خواهد کرد.»^۲ قانون گذاری، فقط وضع قانون جدید نیست، بلکه حذف عناوین قانونی یا تغییر در آن را نیز دربرمی گیرد. جرم زدایی کامل یا عفو عمومی «عبارت از اقدامی است که در آن پاره ای از جرائم و مجازات ها بنابر دلایل و مصالح سیاسی و اجتماعی، مورد بخشش زمامداری قرار گرفته و رسماً به دست فراموشی سپرده می شود.»^۳ عفو عمومی متکی بر «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها»^۴ است؛ یعنی همان گونه که قانون گذار جرائم و مجازات ها را مقرر می دارد، حق حذف آن ها را نیز خواهد داشت. عفو عمومی نشست گرفته از اندیشه فراموشی و از جمله قواعد آمره محسوب می شود.

بند دوم: جرم زدایی ناقص یا کیفر زدایی

عفو عمومی بیشتر ناظر به جرائم است تا مجازات ها؛ بدین معنی که در اکثر موارد قانون گذار عنوان مجرمانه را به خارج از گستره حقوق جزا محول می کند؛ اما در صورتی که قانون، صفت مجرمانه را از بین نبرد و فقط مجازات یا قسمتی از آن را عفو کند، باز هم عفو از نوع عمومی خواهد بود. این شیوه به

^۱ نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، تهران: جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۷۸

^۲ بوشهری، جعفر، حقوق جزا، اصول و مسائل، ج ۱، ۲، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، ص ۸۹

^۳ هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، ج ۲، تهران: میزان، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۶، ص ۸۱

^۴ Nulla poena sine lege



کیفرزدایی مشهور است که آن را به سه نوع تقنینی و قضایی و اجرایی تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ بنابراین عفو عمومی می‌تواند ناظر به جرائم یا مجازات‌ها باشد و قانونگذار، مقام صالح برای اعمال آن است؛ اما جرم‌زدایی ناقص فقط ناظر به جرائم است که ممکن است توسط مجلس یا عالی‌ترین مقام صالح برای این امر صورت گیرد. از این‌روست که در گذشته این حق به پادشاهان اختصاص داشته و در یونان، روم، چین و ایران باستان شواهد زیادی از آن نقل شده است. امروزه در قوانین اساسی کشورها نیز حق عفو به‌خصوص درباره مجرمین سیاسی به پادشاه، رهبر یا رؤسای جمهور تفویض شده است. در ایران طبق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی «عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه، به رهبری سپرده شده است.» مبنای کار رئیس قوه قضائیه در حال حاضر مندرجات آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۱ است که اساس عمل و میزان بخشودگی را شرایط و اوضاع و احوال محکوم‌علیه قرار داده است؛ بنابراین حق عفو در صلاحیت مجلس و رهبری است. استفاده از این حق فقط ناظر به این دو نهاد و مقام بوده و خارج از آن هیچ‌گونه حقی برای شخص یا نهادی وجود ندارد. نوع اخیر از عفو، به «عفو خصوصی»^۱ معروف است که آثار زیر را در برمی‌گیرد:

- ۱- عفو خصوصی، برخلاف عفو عمومی، فقط ناظر به مجازات‌هاست و موجب معافیت محکوم از تمام یا قسمتی از مجازات می‌شود یا مجازات خفیف‌تری اعمال می‌گردد؛ چراکه تغییر در عناوین مجرمانه فقط در صلاحیت قانونگذار است؛ اما صلاحیت قانونگذاری فقط به تغییر یا حذف عنوان مجرمانه مربوط نیست و مجلس می‌تواند در میزان مجازات نیز دخل و تصرف کند؛
- ۲- «عفو خصوصی، اجرای مجازات را متوقف می‌سازد؛ در نتیجه محکوم‌علیه از تحمل تمام یا بخشی از مجازات معاف می‌گردد»^۲؛

^۱ در نظریه شماره ۷۱۴۷۲۱ اداره حقوقی قوه قضائیه مصوب ۱۳۶۱/۹/۲۸ آمده: «عفو که از طرف مقام رهبری اعطا می‌شود، از مصادیق عفو خصوصی است.»

^۲ آردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۳، تهران: میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۲، ص ۲۳۰



۳- عفو خصوصی، برخلاف عفو عمومی، موجب زوال آثار کیفری نمی‌شود؛ اما به‌رغم عفو مرتکب، مجازات‌های تکمیلی و تبعی، به قوت خود باقی است؛

۴- در عفو خصوصی، برخلاف عفو عمومی، «محکومیت همچنان به قوت خود باقی است و به اعتبار قضیه محکوم‌بها لطمه‌ای وارد نمی‌شود؛ بدین ترتیب محکومیت در سجل کیفری محفوظ می‌ماند و محکومیت در تکرار جرم محسوب می‌شود».^۱

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت فرایند تقنین، از دو مرحله قانون گذاری و قانون نگاری تشکیل می شود. مرحله قانون گذاری شامل یافتن بهترین و مناسب ترین قاعده است که محتوای قانون را شامل می شود؛ به عبارت دیگر، اصول قانون گذاری مجموعه قواعد و راهبرد هایی است که منجر به یافتن بهترین و کارآمدترین قانون می شوند؛ به گونه ای که در طی این مسیر، مقتضیات شرایط جامعه کنونی مورد عنایت قرار می گیرد. از جمله این اصول که به «فنون ماهوی یا بنیادی» نیز تعبیر شده؛ عبارت است از لزوم کلیت و دوام قانون، عدالت مداری قانون، جامعیت و کمال قانون و لزوم پاسداری از موازین اسلامی در مقابل، مرحله قانون نگاری شامل یافتن بهترین قالب برای محتوای مورد نظر قانونگذار است که می توان از آن به ادب نگارش قانون تعبیر نمود. از جمله این بایسته ها که ذیل عنوان «فنون شکلی با صوری» نیز مورد بررسی قرار گرفته اند؛ رعایت قواعد و آیین نگارش زبان فارسی، رعایت نظم ساختاری و رعایت ادبیات حقوقی است. همچنین باید توجه داشت جرم زدایی و پیشگیری از جرم همواره یکی از موضوعات اساسی و مهم در زندگی بشری بوده که در طول تاریخ به شیوه های مختلف اعمال گردیده است. در جوامع گذشته غالباً مجازات به عنوان تنها راه کار مبارزه علیه جرم و به تعبیر صحیح تر مجرم تلقی می شد و شدت و قاطعیت در اجرای آن را موجب کاهش بزه کاری می دانستند، البته در مکاتب الهی شیوه های تربیتی علاوه بر مجازات ها مورد تأکید بوده است. جرم زدایی به دلیل برخورداری از مبانی فلسفی - اخلاقی در نوع نظام های حقوقی در چهارچوبی مورد پذیرش قرار

^۱ شمس ناتری، م و محمدعلی جاهد، «عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن»، نشریه فقه و حقوق، س ۵،



گرفته است. با این حال چالش هایی که جرم زدایی با آن مواجه است کمتر مورد توجه قرار گرفته اند اما به هر صورت چالش های پیش روی جرم زدایی وجود دارد. جرم زدایی با چالش هایی مانند آسیب به حقوق بزه دیدگان و متهمان، خطر شیوع و عادی شدن رفتار جرم زدایی شده، تحمیل هزینه سنگین طرح دعوای حقوقی به قربانی، ناسازگاری جرم زدایی با فرهنگ حاکم بر جامعه و نگرانی از ناکارایی رویکردهای جایگزین جرم انگاری و دشواری انتخاب دیگر شیوه های کنترل اجتماعی از میان طیف وسیع کنترل های اجتماعی روبه روست. در جمع بندی مطالب می توان پیشنهادات زیر با توجه به موضوع این مقاله در مسیر قانون گذاری ارائه داد:

- ایجاد هسته ای در مجاری قانون گذاری برای پیگیری و نظارت بر اجرای قوانین با انجام تحقیقات میدانی، سنجشی و کاربردی و همچنین بررسی میزان دستیابی قوانین به هدف یا اهداف قانون گذار؛
- ایجاد هماهنگی، تعامل و ارتباط نزدیک بین نهادهای قانون گذاری، قضایی و اجرایی جهت جلوگیری از بروز تعارض، ابهام، تخالف و ناکارآمدی در سیستم جنایی؛



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- آشوری م، ۱۳۹۵، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، کتابخانه گنج دانش.
- انوری ح، ۱۳۸۳، فرهنگ بزرگ سخن، نشر مهارت، چاپ دوم.
- برناردت و اسنیپس ج، ۱۳۹۶، جرم شناسی نظری، (گذری بر نظریه های جرم شناسی) ترجمه علی شجاعی، نشر سمت، چاپ اول.
- بوشهری ج، ۱۳۸۷، حقوق جزا، اصول و مسائل، ج ۱، چ ۲، شرکت سهامی انتشار.
- جعفری لنگرودی م ج، ۱۳۸۵، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ شانزدهم.
- حیاتی ع، ۱۳۸۹، مقدمه علم حقوق، نشر میزان، چاپ پنجم، پاییز.
- دهخدا ع ا، ۱۳۷۲، لغت نامه، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- راسخ م، ۱۳۸۹، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- رایجیان اصلی م، ۱۳۹۰، بزه دیده شناسی، (جلد یکم)، نشر شهر دانش، چاپ اول.
- ساکت م. ح، ۱۳۹۵، حقوق شناسی، دیباچه ای بر دانش حقوق، نشر ثالث، چاپ اول.
- سرمست بناب ب، ۱۳۸۷، اصل برائت در حقوق کیفری، چاپ اول، دادگستر.
- شاملو ب، ۱۳۸۳، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری [مقاله «اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی» چاپ اول، سمت.
- صانعی پ، ۱۳۸۱، حقوق و اجتماع، انتشارات طرح نو، چاپ اول.



گلدوزیان ا، ۱۳۹۷، حقوق جزای عمومی ایران، جلد اول، نشر دانشگاه تهران، چاپ هشتم.

گیدنز آ، ۱۳۸۶، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ چهارم.

نجفی ابرندآبادی ع.ج، ۱۳۹۵، تازه‌های علوم جنایی: مجموعه مقاله‌ها [مقاله «مبانی مداخله حقوق کیفری ایران در حوزه فرهنگ و چالش‌های فراروی آن» نوشته: امیرحمزه زینالی]، چاپ اول، تهران: میزان.

نوبهار ر، ۱۳۸۷، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، چاپ اول، جنگل؛ جاودانه.

ب) مقالات

امیدی ج، ۱۳۸۲، «مبانی عدالت در حقوق کیفری و حقوق بشر»، نشریه مجلس و پژوهش، س ۱۰، ش ۳۸، تابستان.

حبیب‌زاده م.ج و زینالی، ا.ج، ۱۳۸۴، «درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم‌انگاری»، نشریه نامه حقوقی، ج ۱، ش ۱.

رحیمی‌نژاد ا و حبیب‌زاده م.ج، ۱۳۸۷، «مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲، تابستان.

زارعی م.ج، ۱۳۸۶، «امنیت قضایی به مثابه حق»، نشریه مجلس و پژوهش، س ۱۴، ش ۵۶.

زارعی م.ج، ۱۳۷۶، «تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون»، نشریه مدیریت دولتی، نشر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ش ۳۸.

شمس ناتری م.ا، ۱۳۹۰، «ویژگی‌های جرم‌انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر»، نشریه راهبرد، س ۲۰، ش ۵۸، بهار.



مظفری، ا، ۱۳۷۵، بررسی جرم سقط جنین در حقوق ایران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۲۵ زمستان.

ج) پایان نامه ها و رساله ها

ابراهیمی، ش، ۱۳۸۷، «پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر»، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، خرداد.

جاهد، ۱۳۸۳، «ضرورت جرم‌زدایی در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

محمودی جانکی ف، ۱۳۸۲، مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران.

(چ) منابع انگلیسی

1. Fuller L, 1993, *the morality of law* 1993, p 19, rev, ed, , Helen
yu and Alison guernesey, what is rule of law, internet site.
2. Joys Bryant, *democracy speaks through criminal law?*
www.yale.edu
3. Kenan P, *towards the criminalization of dictatorship:a draft
proposal for an international convention on dictatorship*,
buffalo human rights law review, vol 14.
4. Schonsheek J, 1994, *On criminalization, an essay in the
philosophy of the criminal law*, kluwer academic publishers.
5. Waldron, J, 2004, *the concept of rule of law*, new york
university school of law, november.
6. <http://legal-dictionary.thefreedictionary.com/privacy>
7. www.canadian.org/2009/2/blog-post_442.html



لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

اگانت ایثنا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی


معاونت عالی علمی و تحقیقاتی
تحت پوشش خبری صداوسیما



جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵